

ایران قاجار در نگاه اروپاییان - ۲

مأموریت به ایران

[ایران در جنگ جهانی اول]

مارتین هنری دانوهو
ترجمه شهلا طهماسبی



این کتاب ترجمه‌ای است از:

With the Persian Expedition

Major M. H. Donohoe

London, Edward Arnold, 1919



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

* * *

مارتین هنری دانوهو

مأموریت به ایران

[ایران در جنگ جهانی اول]

ترجمه شهلا طهماسبی

چاپ اول

۱۱۰۰ نسخه

۱۳۹۷

چاپ رسام

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۳۸۰-۶

ISBN: 978 - 600 - 278 - 380 - 6

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۲۸۰۰۰ تومان

فهرست

پیشگفتار	۷
۱. تشکیل بریگاد «هیس-هیس»	۱۱
۲. از مصر به سوی خلیج فارس	۲۱
۳. شهر سندباد	۲۷
۴. در یک عروسی ایرانی	۳۳
۵. از دجله به سوی کوت	۳۹
۶. بغداد	۴۹
۷. تاریخچه قوای دانسترویل	۵۹
۸. به سوی ایران	۶۹
۹. از میان گل ولای به سوی کِرنند	۷۵
۱۰. از کِرنند به سوی کرمانشاه	۸۳
۱۱. شهر قحطی زده	۹۹
۱۲. حمله مجدد دانسترویل	۱۱۱
۱۳. پیش به سوی تبریز	۱۱۷
۱۴. تصرف میانه	۱۲۵
۱۵. زندگی در میانه	۱۳۳

- ۱۳۹..... ۱۶. نبرد تیکمه‌داش
- ۱۴۹..... ۱۷. تخلیه میانه
- ۱۵۷..... ۱۸. درهم شکستن یک توطئه
- ۱۶۳..... ۱۹. اولین هیئت اعزامی به باکو
- ۱۶۷..... ۲۰. یورش مجدد به باکو
- ۱۷۵..... ۲۱. ترک‌ها و عشایر مسیحی
- ۱۷۹..... ۲۲. در کردستان
- ۱۸۹..... ۲۳. پایان مخاصمات
- ۱۹۹..... پیوست
- ۲۱۳..... نمایه

پیشگفتار

هیچ‌کس به اندازه من نمی‌داند که درباره جنگ تا ابد می‌توان نوشت و هیچ‌کس به اندازه من نمی‌تواند به این وضوح مجسم کند که هر بار که نوشته جدیدی درباره فاجعه جهانی پنج سال اخیر ظاهر می‌شود چه بسیار منتقدان و مردم عادی دلزده و خسته می‌گویند «چی؟ باز یکی دیگر!» بی‌شک، می‌پرسید پس چرا من نوشته‌های خود را به این فهرست هولناک و عظیم افزوده‌ام؟

خوب، خلاصه‌اش این است که در ابتدای سال ۱۹۱۸/۱۳۳۶ ه.ق^۱ تقدیر و وزارت جنگ مرا به میدان عملیاتی فرستاد که بیشتر بریتن^۲‌های معمولی نه آن را می‌شناختند نه نامی از آن شنیده بودند - یعنی شمال غربی ایران، سرزمینی که تا قفقاز و دریای خزر گسترده است، و تجربیاتی که در آن جاکسب کردم مرا به راه‌های فرعی «جنگ بزرگ» هدایت کرد، تجربیاتی چنان نامعمول که بی‌اندازه ارزش بازگو کردن داشت و کاملاً از اهمیت نظامی عملیاتی که جزء کوچکی از مأموریت را تشکیل می‌دادند متمایز بود.

با این وصف، از جنبه اخیر هم باید بگویم، امیدوارم کتاب من پانوشت مفیدی باشد برای نبرد عظیمی که خوشبختانه پایان گرفته است.

۱. جنگ جهانی اول یا جنگ بین‌الملل یا جنگ بزرگ، در ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۴/رمضان ۱۳۳۲ ه.ق با اعلام جنگ اتریش به صربستان به علت قتل فرانتس فردیناند ولیعهد اتریش به دست یکی از اهالی صربستان آغاز و در ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸/۷ صفر ۱۳۳۷ با قرارداد متارکه جنگ به پایان رسید. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به دایرةالمعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب: جنگ جهانی اول. (پانوشت‌های کتاب همه از مترجم است).

۲. Briton: بومیان اولیه ساکن در جزیره بریتانیای کبیر.

ماجرای جنگ ایران باید روایت شود و من خوشوقتم که سهمی کوچک در این گزارش بر عهده گرفته‌ام. این کتاب ماجرای قوای عملیاتی کوچکی است که گمنام مانده است، در کشور من کسی آن را نمی‌شناسد و ظاهراً مدت‌های مدید حتی خود مقامات نیز آن را از یاد برده بودند. این قوا تحت فرماندهی ژنرال دانسترویل^۱ بود که همه‌جا با عنوان «دانستر فورس»^۲ شناخته می‌شود و من بخشی از آن بودم و این کتاب را درباره آن نوشته‌ام. در این کتاب کوشیده‌ام «دانستر فورس» را معرفی کنم، علت اعزامش را شرح دهم و بگویم تا چه حد در اجرای مأموریتش توفیق یافت. این کار مستلزم بررسی وضعیت جغرافیایی و سیاسی محل بود. چون در این‌جا ما با نیروی مشخصی مواجه نیستیم که در آن همه مردم یک کشور علیه مردم کشور دیگر بسیج می‌شوند؛ این عملیاتی بسیار مغشوش و پیچیده بود و اگر کسی به خودش زحمت بدهد و نوشته‌های مرا بخواند، موضوع را درک می‌کند.

به علاوه، این جنگی بود که در جایی پرت و دورافتاده برپا شده بود. ما در مسیر خود به قبایلی برخوردیم که برایشان سرزمین بریتانیای کبیر به منزله سیاره‌ای دیگر بود، قبایلی که در نظرشان طیاره و اتومبیل و سائیلی اعجاب‌انگیز و باورنکردنی بودند، قبایلی که نه اروپایی‌های معمولی از طرز زندگی و تفکر آن‌ها اطلاع داشتند نه آن‌ها از طرز زندگی و تفکر اروپایی‌ها. به همین علت، قسمت‌هایی را به توصیف مکان‌ها و مردمانی که دیدم اختصاص داده‌ام.

یک کلمه هم باید بگویم که چرا و چطور گذر من به آن‌جا افتاد. جنگ بخش بزرگی از زندگی مرا تشکیل داده است. در بیست سال گذشته در سمت گزارشگر ویژه دپلی کرونیکل^۳ از امتیاز حضور در بزرگ‌ترین خیزش‌های نظامی و سیاسی جهان برخوردار بوده‌ام.

از ژوئیه ۱۹۱۴، هجده ماه تمام در مقام وقایع‌نویس جنگ عاقبت‌ارث‌های متحد^۴ را به ترتیب در جبهه‌های صربستان، بلژیک، ایتالیا و یونان دنبال کرده‌ام - خبرنگار فقیری

۱. Lionel Charles Dunsterville (۱۸۶۵-۱۹۴۶)، افسر انگلیسی و فرمانده دانستر فورس/قوای دانستر که برای جلوگیری از یورش احتمالی نیروهای عثمانی و آلمانی از طریق ایران به هندوستان و مقابله با ارتش انقلابی بلشویک در باکو از طریق ایران، در این کشور مستقر شد.

2. Dunsterforce 3. Daily Chronicle

۴. نیروهای متفقین در جنگ جهانی اول.

مانند لازاروس [الیعازر]^۱ که خرده‌خبرهایی را که از میز دایوس،^۲ مأمور ممیزی، به زمین می‌افتاد جمع‌آوری می‌کرد. اما راضی نبودم، چون احساس می‌کردم به این شکل «سهم» ام آن‌طور که باید و شاید ادا نمی‌شود. بنابراین به پیروی از میلیون‌ها تبعه امپراتوری [بریتانیا]^۳ به ارتش پیوستم. ابتدا مرا همراه «نیروی اطلاعاتی» به رومانی و روسیه فرستادند. در پتروگراد هنگام فرار از «وحشت سرخ»^۴ ناگهان خود را در «دانستر فورس» با سِمَت «افسر سرویس ویژه» [اطلاعات امنیتی] در سرزمین دورافتاده ایران یافتم — و از این نقطه وقایع آغاز می‌شود.

نویسنده

پاریس

اکتبر ۱۹۱۹

۱ و ۲. نام دو نفر که در انجیل‌های یوحنا و لوقا آمده و اشاره‌ای نمادین است.

۳. قلاب‌های داخل متن همه افزوده مترجم است.

۴. Red Terror؛ دوره‌ای از سرکوب سیاسی و کشتار جمعی به دست بلشویک‌ها در سال ۱۹۱۸.



دریای
خزر

ایران

خلیج
فارس

مرزهای بین المللی
خط آهن
جاده‌های اصلی
مقیاس به مایل
0 50 100 200